



مجلس شورای اسلامی
مرکز تحقیقات اسلامی

حق حبس در نکاح

(پیرسے و اصلاح مواد ۸۸، ۸۹، ۸۶، ۸۷ قانون مدنی)

معاونت پژوهش

شورای فقہی / کمیته خانوادہ

دی ماہ ۱۳۹۲

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
معاونت پژوهشی
شناسنامه گزارش

اساتید و کارشناسان (به ترتیب حروف الفبا)

حجت الاسلام والمسلمین احمد احمدی تبار
عضو هیأت علمی و استاد جامعه المصطفی العالمیه

آیت ا... محمد علی انصاری
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد حبیبی تبار
عضو هیأت علمی و مدیر گروه حقوق خصوصی مرکز تخصصی
حقوق و قضای اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین سید منذر حکیم
رئیس گروه فقه خانواده جامعه المصطفی العالمیه

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن وحدتی شبیری
عضو هیأت علمی دانشگاه قم

عنوان:

" حق حبس در نکاح "

(بررسی و اصلاح مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی)

شماره ثبت در مرکز:

۹۲/۲۳/۴۳

تاریخ انتشار:

دی ماه ۱۳۹۲

دبیر علمی:

دکتر مسعود امامی

کارشناس مرکز:

مرتضی گله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حق حبس در نکاح

(بررسی و اصلاح مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی)

معاونت پژوهش

شورای فقهی / گروه خانواده

دی ماه ۱۳۹۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
بخش اول: ابهامات قانون.....	۱۴
بخش دوم: بررسی موضوع به موضوع و نظرات کارشناسی کمیته فقه اقتصاد ..	۱۸
محدوده حق حبس زوجه.....	۱۸
نظریه کمیته فقه خانواده.....	۱۹
حق حبس در فرض اعسار زوج.....	۲۰
نظریه کمیته فقه خانواده.....	۲۲
نتیجه‌گیری.....	۲۷
حق حبس در فرض تقسیط.....	۲۹
نظریه کمیته فقه خانواده.....	۳۱
سقوط حق حبس در فرض تمکین کمتر از آمیزش.....	۳۳
دیدگاه کمیته فقه خانواده.....	۳۴
حق نفقه در فرض اعمال حق حبس و اعسار زوج.....	۳۵
دیدگاه کمیته فقه خانواده.....	۳۶
بخش سوم: پیشنهاد.....	۳۸

مقدمه

مقدمه

حق حبس، قاعده عمومی است که در همه قرار دادهای معاوضی جاری می باشد و معنای آن این است که طرفین قرارداد می توانند در صورتی که طرف مقابل مطابق قرارداد عمل نکرد و عوض را تسلیم ننمود، او نیز از تسلیم معوض خودداری کند. قانون گذار حق حبس را ابتدا در مواد ۳۷۷، ۷۸۳ قانون مدنی آورده است. از این مواد فهمیده می شود که قلمرو حق حبس اختصاص به عقد نکاح و شامل سایر عقود معاوضی نیز می شود. مقررات مربوط به حق حبس در نکاح در مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی بیان شده است. متن این دو ماده بدین قرار است:

ماده ۱۰۸۵ - زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذلتک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

بنابر آنچه در مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی آمده است، عوض و معوض در عقد نکاح عبارتند از وظایف زن در مقابل شوهر و مهریه. از این رو میان این دو

حق حبس جاری است. حق حبس برای زوجه هنگامی وجود دارد که مهریه حال باشد، نه مؤجل. اگر مهریه حال باشد زوجه می‌تواند بلافاصله پس از عقد مهریه را مطالبه کند و زوج نیز موظف است که بی‌درنگ تأدیه نماید. چنانچه زوج از تسلیم خودداری کند زوجه می‌تواند قبل از هر گونه نزدیکی نسبت به استمتاعات زوج تمکین ننماید و در این حالت، عدم تمکین زوجه حق نفقه وی را از عهده زوج ساقط نخواهد کرد؛ حال آنکه اگر با پرداخت مهریه از تمکین خودداری می‌کرد حق نفقه وی ساقط بود. اما هرگاه مهریه مؤجل باشد قبل از فرا رسیدن اجل حکم فوق جاری نیست یعنی زوجه نمی‌تواند مهریه را مطالبه و یا از تمکین خودداری کند.

امروزه به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، استفاده از حق حبس در نکاح در جامعه ما شیوع یافته و از این رو پرسش‌های مختلفی در باره آن مطرح است. مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ دارای ابهامات متعددی است که پاسخگوی بسیاری از این پرسش‌ها نیست و محاکم را در حل دعاوی مربوط به این موضوع دچار مشکل کرده است. کمیته فقه خانواده در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی با توجه به اهمیت این موضوع و مشکلات پدید آمده از اجمال و ابهام قانون در این باره بر آن شد که بررسی این مواد را در دستور کار خود قرار دهد و در نهایت پیشنهادات خود را در جهت اصلاح قانون به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تقدیم دارد.

بخش اول:

ابهامات قانون

بخش اول: ابهامات قانون

ابهاماتی که در این دو ماده قانونی وجود دارد عبارتند از:

۱. محدوده حق حبس زوجه: مقصود از عبارت «وظایفی که در مقابل شوهر دارد» در ماده ۱۰۸۵ چیست؟ آیا مراد، همه وظایف است یا برخی وظایف؟ آیا مقصود تمکین خاص (آمیزش) است یا مقصود تمکین عام (همه استمتاعات) می باشد؟ اگر مقصود تمکین عام است آیا شامل اطاعت زوجه در خروج از خانه نیز می شود؟

۲. حق حبس در فرض اعسار زوج: آیا حق حبس برای زوجه در صورتی که زوج از پرداخت مهریه معسر باشد نیز همچون فرض ایسار وجود دارد؟

۳. حق حبس در فرض تقسیط: اگر مهریه با توافق زوجین یا حکم قاضی تقسیط شود آیا حق حبس به صرف تقسیط ساقط می شود یا با پرداخت اولین قسط ساقط می گردد و یا این حق تا هنگامی که همه اقساط پرداخت نشده است وجود دارد؟

۴. سقوط حق حبس در فرض تمکین به کمتر از آمیزش: آیا اگر زن قبل از گرفتن مهریه به استمتاع کمتر از آمیزش رضایت داد حق حبس او زائل می شود یا اسقاط حق حبس منوط به آمیزش است؟

۵. حق نفقه در فرض اعمال حق حبس و اعسار زوج: اگر اعمال حق حبس در فرض اعسار زوج باشد آیا حق نفقه برای زن همچنان باقی است؟

اینک هر یک از این ابهامات طی سرفصل جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. در هر سرفصل ابتدا فتاوی فقها و آرای قضایی در هر یک از موارد ابهام ذکر می گردد، سپس نتیجه بررسی های فقهی و قانونی کمیته فقه خانواده که حاصل مطالعات و جلسات متعدد اساتید و کارشناسان این کمیته است تقدیم می گردد.

بخش دوم:

بررسی موضوع به موضوع

و نظرات کارشناسی کمیته فقه خانواده

بخش دوم:

بررسی موضوع به موضوع و نظرات کارشناسی کمیته فقه خانواده

محدوده حق حبس زوجه

فقه‌های معاصر در پاسخ به استفتائاتی، محدوده حق حبس زن در نکاح را بیان کرده‌اند. در این میان سه گونه فتوا دیده می‌شود. برخی مانند حضرات آیات خامنه‌ای و صافی گلپایگانی حق حبس را عام دانسته و شامل همه وظایف زن از جمله خروج از خانه می‌دانند. بر اساس این فتوا زوجه می‌تواند تا زمانی که زوج مهریه را پرداخت نکرده از هر گونه تمکینی خودداری کند. او حتی می‌تواند بدون اجازه زوج از خانه خارج شود. فتوای دوم متعلق به فقهایمانند حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی است. به نظر این گروه از فقهاء زوجه نسبت به همه وظایفش غیر از خروج از خانه حق حبس دارد، اما حق خروج از خانه بدون اجازه شوهر را ندارد. فتوای سوم متعلق به فقهایمانند حضرات آیات سیستانی، تبریزی و موسوی اردبیلی است. به نظر ایشان حق حبس منحصر به آمیزش است و زن می‌بایست سایر وظایف خود را انجام دهد. البته آیت الله سیستانی یادآور می‌شود که زن می‌تواند به خانه شوهر نرود. آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتایی دیگر این قول را اختیار کرده است. آیت الله صافی گلپایگانی

هم در پاسخ به استفتایی دیگر حق حبس را شامل خروج از خانه بدون اذن شوهر نمی‌داند.^۱ برخی از فقها مانند حضرات آیات بهجت و شبیری زنجانی محدوده حق حبس را مطلق استماعات ذکر کرده‌اند.^۲ در استفتایی دیگر فقهای مانند حضرات آیات بهجت و موسوی اردبیلی تصریح کرده‌اند که اگر زن با رفتن به خانه شوهر مجبور باشد که تمکین نماید، می‌تواند به خانه شوهر نرود.^۳

هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸-۱۳/۲/۱۳۹۰ گویا دیدگاه نخست را برگزیده است. این هیأت قید «مطلق» را به عبارت قانون مدنی افزوده و بیان داشته است: «مستفاد از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این است که زن در صورت حال بودن مهریه، می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید، بنابراین رأی شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان لرستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آرا صحیح و قانونی تشخیص و تایید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»^۴

نظریه کمیته فقه خانواده

فتوا به عمومیت حق حبس نسبت به همه استماعات، اعم از آمیزش و کمتر از آن و نیز نسبت به خروج از خانه با قواعد حق حبس در معاوضات سازگارتر است، زیرا هر چند از نصوص روایی - چنانکه در سرفصل‌های بعدی خواهد آمد - بدست می‌آید که در عقد نکاح، مهریه فقط در مقابل آمیزش (بضع) معاوضه می‌شود، اما در نگاه عرف، مهریه فقط در مقابل آمیزش نیست، بلکه شامل همه استماعات می‌گردد، حتی حق خروج از خانه نیز اگر از محدوده حق حبس

استثنا شود، خلاف فهم عرفی است، زیرا میان استمتاعات کمتر از آمیزش با استمتاع به آمیزش ملازمه عادی و عرفی وجود دارد، بلکه از نظر عرف، میان سکونت زن در خانه شوهر و استمتاع شوهر از او نیز ملازمه عادی است و زن اگر ملزم به سکونت در خانه شوهر باشد، عملاً نمی تواند از حق حبس خود در آمیزش استفاده کند. پس توسعه حق حبس از آمیزش به سایر استمتاعات از باب ملازمه عادی میان استمتاعات کمتر از آمیزش با آمیزش است

حق حبس در فرض اعسار زوج

مشهور فقها بر این باورند که در حق حبس زوجه فرقی میان اعسار و ایسار زوج در پرداخت مهریه نیست. پس حتی اگر زوج از پرداخت مهریه ناتوان باشد زوجه می تواند تا پرداخت مهریه از تمکین خودداری کند. علامه حلی می گوید: «حق حبس در هر دو حالت اعسار و ایسار وجود دارد».^۵ شهید اول در تعلیل این نظریه می نویسد: «نکاح، معاوضه محض و یا شبه معاوضه است و در معاوضه محض هریک از طرفین می تواند از تسلیم عوض خودداری کنند تا طرف مقابل معوض را تسلیم کند خواه موسر باشد یا معسر. زیرا، فایده تعویض در این صورت تحقق می یابد».^۶ پس اعسار زوج فقط حق مطالبه زوجه را ساقط می نماید و ارتباطی به بحث حق حبس پیدا نمی کند.^۷ امام خمینی نیز همین قول را پذیرفته است.^۸

در مقابل قول مشهور، فقهایمانند ابن ادریس و صاحب مدارک معتقدند که در صورت حال بودن مهریه چنانچه زوج از پرداخت مهریه معسر باشد، زوجه نمی تواند مهریه را مطالبه و نیز نمی تواند از تمکین خودداری کند.^۹ این فتوا توسط مشهور فقها، با این استدلال که اعسار زوج هر چند مانع مطالبه زوجه و الزام او می گردد ولی این موضوع مستلزم آن نیست که زوجه موظف به تمکین

باشد^{۱۰}، رد شده است. صاحب جواهر نیز ضمن اذعان به عدم تفاوت میان اعسار و ایسار زوج در حق حبس زوجه به این نکته اشاره می‌نماید که تنها تفاوت فرض اعسار و ایسار زوج در این است که در صورت توانایی زوج و مطالبه زوجه، و عدم پرداخت مهریه از سوی زوج، وی معصیت‌کار است، و در این فرض، زوجه مستحق نفقه است ولی اگر زوج معسر باشد در صورت عدم پرداخت مهریه، معصیت‌کار نیست.^{۱۱} فقهای معاصر نیز قول مشهور را برگزیده‌اند.^{۱۲}

کمیسیون حقوقی شورای عالی قضائی در پاسخ به سؤالی، قول مشهور فقهاء را از اطلاق ماده ۱۰۸۵ برداشت کرده است. متن پرسش و پاسخ بدین گونه است: «سوال: در صورتی که مهریه زوجه حال باشد با فرض عدم قدرت زوج از پرداخت مهریه به صورت نقد، و کسر نمودن از حقوق به طور اقساط، آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین دارد، و در صورت امتناع، حق نفقه دارد یا خیر؟ جواب- تا وصول مهریه حق امتناع از تمکین و استحقاق نفقه را با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی دارد.»

در فرضی که مهریه به مقداری باشد که زوج از پرداخت آن هنگام عقد عاجز است و زوجه نیز از این امر آگاه می‌باشد، برخی از فقها مانند حضرات آیات تبریزی، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی و نوری همدانی بر این باورند که آگاهی زوجه از عدم توانایی پرداخت مهریه هنگام عقد قرینه بر این است که زوجه مهریه را به گونه موجد پذیرفته است، پس در چنین فرضی حق حبس برای زوجه نخواهد بود. در مقابل گروه دیگری از فقهای معاصر حق حبس را در چنین فرضی پذیرفته‌اند.^{۱۳} حضرات آیات موسوی اردبیلی و نوری همدانی در پاسخ به استفتایی دیگر فتوای دوم را پذیرفته‌اند.^{۱۴} اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۳۹ به تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۹ تصریح می‌کند که «با توجه به اطلاق و

عموم ماده مرقوم» آگاهی زن به اعسار زوج موجب از بین رفتن حق حبس او نمی شود.

نظریه کمیته فقه خانواده

قول مشهور فقها در عدم تفاوت میان اعسار و ایسار زوج بر قول فقهایی مانند ابن ادریس و صاحب مدارک رجحان دارد. دلیل این رجحان - چنانکه فقها نیز تصریح کرده اند - این است که اعسار زوج فقط مانع حکم تکلیفی به وجوب پرداخت مهریه از سوی مرد و در نتیجه مانع حق مطالبه مهریه از سوی زن است و تاثیری در حق حبس برای زن ندارد؛ چنانکه در سایر معاوضات نیز اعسار و عدم توانایی یکی از طرفین از تسلیم عوض، مانع حق حبس طرف دیگر نسبت به تسلیم معوض نمی باشد.

همچنین فتوای فقهایی مانند حضرات آیات تبریزی و مکارم شیرازی مبنی بر این که آگاهی زوجه از عدم توانایی پرداخت مهریه هنگام عقد قرینه بر این است که زوجه مهریه را به گونه موجّل پذیرفته است، پس حق حبس ندارد، علاوه بر سازگاری با ادله فقهی، راهگشای بسیاری از مشکلات اجتماعی نیز می باشد. ادعای اخیر طیّ بندهای ذیل به اثبات می رسد.

اول: نکاح، عقدی شبه معاوضی است. برخی فقها مانند شهید اول به این نکته تصریح کرده اند. معنای این سخن این است که نکاح به طور کامل از عقود معاوضی نیست و با عقود معاوضی تفاوت هایی دارد. شاهد بر این ادعا آن است که مهریه و بضع در عقد نکاح دقیقاً نقش ثمن و مئمن در عقد بیع را ندارند. مهریه در اسلام از امور امضایی است و قبل از اسلام نیز در جاهلیت به گونه ای وجود داشته است. قرآن کریم از مهریه به «صدقۀ» و «نحلۀ» یاد کرده است.^{۱۵} مفسران و اهل لغت در

تفسیر و توضیح این آیه شریفه یادآور شده اند که علت این تسمیه آن است که اعطاء مهریه از سوی مرد به زن دلیل صدق الفت و علاقه مرد به زن است و اطلاق نحله بر مهریه بدان جهت است که مهریه عطیه و بخششی بلاعوض است از مرد به زن. با این دو لفظ قرآن کریم موقعیت مهریه را در اسلام بیان کرده که چون موقعیت زن موقعیت عشق و موقعیت مرد موقعیت تمنا و خواهش از زن است لذا مهریه‌ای به او می دهد که فقط عطیه و شاهد صدق توجه مرد به زن است.^{۱۶}

به عبارت دیگر، واقعیت مهریه در صدر اسلام دست به جیب کردن شوهر برای زن بوده که نشانه هدیه و صداقت او بوده است، نه اینکه نکاح مانند بیع و سایر معاوضات دارای عوض و معوضی است که طرفین عقد قصدی جز تعویض آنها ندارند. از نگاه عرف در جامعه امروز ما نیز نکاح عقد معاوضی شمرده نمی شود. پس این ادعا که امروزه طرفین عقد در نکاح، قصد معاوضه می کنند و نکاح امروزه - فارغ از این که در صدر اسلام چگونه عقدی شمرده می شد - عقدی معاوضی است و بر اساس قاعده العقود تابعه للقصد دارای احکام معاوضات است، مردود می باشد

قرائن و شواهد متعددی وجود دارد که گویای غیر معاوضی بودن عقد نکاح است. از جمله این که در عقود معاوضی، عوض و معوض رکن عقد می باشند، اما در نکاح دائم، مهریه از ارکان عقد نیست و ذکر مهریه، شرط صحت عقد نکاح دائم نیست. پس در عقد نکاح دائم تفویض بضع، یعنی عدم ذکر مهریه جایز است.^{۱۷} همچنین تفویض مهریه در نکاح، یعنی عدم تعیین مهریه هنگام عقد و واگذاری تعیین آن به یکی از زوجین بعد از عقد، جایز می باشد.^{۱۸} احکام دیگری برای مهریه است که با احکام عوضین در عقود معاوضی متفاوت می باشد.

با توجه به این نکات در مقام تاسیس اصل می توانیم بگوییم که اصل بر عدم

معاوضی بودن عقد نکاح است، مگر دلیل خاصی بر معاوضی بودن عقد نکاح وجود داشته باشد. همچنین اصل بر این است که احکام معاوضات در نکاح جاری نیست، مگر با استناد به دلیل خاص، جریان حکمی از احکام معاوضات در نکاح ثابت شود.

دوم: دلیل لفظی معتبر و مطلق که دلالت بر حق حبس داشته باشد وجود ندارد. پس در موارد شک در حق حبس نمی توان به اطلاق دلیل لفظی تمسک کرد و حق حبس را ثابت نمود. صاحب مدارک مدعی است که در مسئله حق حبس نص و دلیل خاص نداریم.^{۱۹} با بررسی روایات نیز همین نتیجه حاصل می شود.

از مجموع روایات بر می آید که در عقد نکاح، خصوص بضع در مقابل مهریه معاوضه می شود، اما روایت معتبری که دلالت بر حق حبس در نکاح داشته باشد وجود ندارد و حق حبس با قواعد معاوضات ثابت می شود نه دلیل لفظی. پس معاوضی بودن مهریه و بضع با روایات ثابت می گردد و حق حبس با قاعده ثابت می شود.

روایات مربوط به این بحث چند دسته اند. نخست روایت منقول در دعائم الاسلام است که دلالت بر حق حبس در نکاح دارد. روایت مزبور بدین قرار است:

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ امْرَأَةً عَلَى صَدَاقٍ مِنْهُ عَاجِلٌ وَمِنْهُ آجِلٌ وَتَشَاحًا فِي الدُّخُولِ لَمْ تُجْبَرِ الْمَرْأَةُ عَلَى الدُّخُولِ حَتَّى يَدْفَعَ إِلَيْهَا الْعَاجِلَ ...^{۲۰}

این روایت دلالت روشنی بر حق حبس دارد، اما سند آن معتبر نیست.

دسته دوم روایات متعددی است که به حد استفاضه رسیده و از این جهت نیازی به بحث سندی ندارند. این روایات حکم تکلیفی وطنی قبل از اعطای مهریه

را بیان کرده اند. دلالت این روایات دو گونه است. در برخی از این روایات آمده است که وطی قبل از اعطای مهریه حال، جایز نیست و مرد باید قبل از وطی، مهریه یا بخشی از آن را بپردازد.^{۲۱} برخی دیگر هم دلالت بر این دارد که وطی قبل از اعطا مهریه جایز است و مهریه دینی بر عهده مرد خواهد بود.^{۲۲} این دو دسته روایات به ظاهر متعارض هستند. برخی فقها تعارض بدوی میان روایات را این گونه بر طرف کرده اند که امر به دفع مهریه قبل از وطی حمل بر استحباب و عدم جواز از دخول قبل از اعطاء مهریه حمل بر کراهت می شود.^{۲۳} بر این اساس روایات عدم جواز، دلالتی بر حرمت و حق حبس ندارند.

توجه به این نکته لازم است که حتی اگر گونه نخست این روایات دلالت بر حرمت وطی قبل از اعطای مهریه داشته باشند، مدلول آنها فقط بیان یک حکم تکلیفی است و ربطی به حکم وضعی حق حبس ندارد. به علاوه در میان روایات گونه نخست که دلالت بر پرداخت مهریه قبل از وطی دارد روایاتی دیده می شود که از آنها فهمیده می شود مقصود از پرداخت چیزی قبل از وطی، مهریه نیست، بلکه مقصود هدیه است.^{۲۴}

دسته سوم روایات، دلالت بر معاوضی بودن خصوص مهریه و بضع در نکاح دارد، هر چند این به معنای معاوضی بودن عقد نکاح به مانند سایر عقود معاوضی نیست؛ مانند این روایت:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلَى أَنْ يُعَلِّمَهَا سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ يَدْخُلَ حَتَّى يُعَلِّمَهَا السُّورَةَ وَ يُعْطِيَهَا شَيْئاً قُلْتُ أَيْ جَوْزٌ أَنْ يُعْطِيَهَا تَمْرًا أَوْ زَبِيبًا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا رَضِيَتْ بِهِ كَأَيْنَا مَا كَانَ.

از استعمال حرف «علی» در این روایت فهمیده می شود که تعلیم سوره در مقابل و عوض بضع است. همچنین در روایتی دیگر از استعمال مشتقات کلمه تعویض در آن، معاوضی بودن مهریه و بضع فهمیده می شود:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْمَرْأَةِ تَهَبُ نَفْسَهَا لِلرَّجُلِ يَنْكِحَهَا
بِعَيْرِ مَهْرٍ فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ هَذَا لِلنَّبِيِّ ص - وَ أَمَا لِعَيْرِهِ فَلَا
يَصْلُحُ هَذَا حَتَّى يُعَوِّضَهَا شَيْئًا يُقَدِّمُ إِلَيْهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا
قَلَّ أَوْ كَثُرَ وَ لَوْ تَوُبَّ أَوْ دَرَّهَمٌ وَ قَالَ يَجْزِي الدَّرْهَمُ.

بخش اول این روایت اگر چه ناظر به مفوضه البضع است، اما در ادامه آن تفویض بضع خصوصیتی ندارد و معاوضی بودن از کلمه «يُعَوِّضَهَا» در آن فهمیده می شود.

همچنین روایاتی که در میان دسته نخست از آنها یاد شد و در آنها در مورد مهریه ای که پرداخت نشده تعبیر دین آمده است نیز دلالت بر معاوضی بودن نکاح می کنند، زیرا مفهوم دین هنگامی صدق می کند که مهریه بر ذمه مرد آمده باشد و مهریه زمانی بر ذمه مرد می آید که عوض آن را که بضع است گرفته باشد.^{۲۵}

پس از مجموع ادله روایی این گونه فهمیده می شود که تنها روایتی که دلالت روشن بر حق حبس دارد روایت کتاب دعائم الاسلام است که مشکل سندی دارد. بقیه روایات فقط دلالت بر معاوضی بودن عقد نکاح دارند و حق حبس از آنها فهمیده نمی شود تا بتوان به استناد اطلاق آنها حق حبس را در موارد مشکوک جاری کرد.

سوم: امروزه برخی زنان بعد از ازدواج درخواست دریافت مهریه های سنگین خویش را می کنند و به بهانه عدم پرداخت مهریه از سوی مرد، از تمکین و حتی رفتن به خانه شوهر خودداری می نمایند، در حالی که قبل از عقد آگاه بوده اند که مرد از پرداخت نقدی چنین مهریه ای پس از عقد عاجز است. حق حبس برای این گونه زنان دستاویزی شده است بر عدم تشکیل نهاد خانواده و تحت فشار قرار دادن مردان برای رسیدن به مطامع مالی خویش. آگاهی این گونه زنان به اعسار زوج از پرداخت نقدی مهریه، موجب می شود که درخواست مهریه از سوی آنها بعد از عقد در نظرگاه عرف و اخلاق، نوعی فریبکاری تلقی شود. همین نکته قرینه بر این است که با وجود این آگاهی از سوی زن، نمی توان مهریه را نزد عرف حالّ تلقی کرد. فتوای فقهایی مانند آیت الله مرحوم تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی مبنی بر عدم حق حبس برای زن در فرض آگاهی او از اعسار زوج، مانع این سوء استفاده خواهد بود.

نتیجه گیری

یکی از شرایط حق حبس در نکاح، حالّ بودن مهریه است. در مواردی که مهریه مؤجل می باشد حق حبس وجود ندارد. در فرضی که زن علم به اعسار زوج از پرداخت نقدی مهریه دارد، شک می کنیم که آیا مهریه حالّ است و حق حبس برای زن وجود دارد یا مهریه در حکم مؤجل می باشد و حق حبس وجود ندارد؟ بنابر آنچه در بند اول گذشت، اصل اولی در نکاح عدم جریان احکام معاوضات است و حق حبس از احکام معاوضات می باشد. پس در موارد شک، اصل، عدم حق حبس برای زن خواهد بود، مگر دلیل خاص وجود داشته باشد و بنابر آنچه در بند دوم گذشت، دلیل خاص لفظی که دلالت بر حق حبس در نکاح داشته باشد و با

تمسک به اطلاق آن بتوان در موارد مشکوک حق حبس را ثابت کرد نداریم. بر این اساس در فرضی که زن با آگاهی از اعسار زوج اقدام به ازدواج می کند حق حبس برای زن وجود ندارد. این فرض شامل بیشتر مهریه های مرسوم در جامعه امروز ما می شود. این حکم در مواردی که در عقدنامه قید عندالمطالبه آمده باشد نیز جاری است.

علاوه بر اصل اولی، قاعده اقدام نیز می تواند موید این فتوا باشد. زنی که با علم به اعسار زوج اقدام به ازدواج کرده است علم او به اعسار قرینه مقامی است بر قبول تاخیر از سوی زن. گویا در این فرض، زن بضع را عوض مهریه قرار نداده است و حق حبس خویش را زائل کرده است.

همچنین می توان گفت که نه تنها موارد علم زوجه به اعسار از موارد حق حبس خارج است، بلکه از نظر عرف در مواردی که مقدار مهریه بسیار بیش از توان پرداخت نقدی مرد است و تصریح به حال بودن مهریه نشده است، شرط بنایی و ارتکازی وجود دارد مبنی بر این که شوهر متعهد به پرداخت مهریه هنگام عقد نیست و در این جهت فرقی میان این که زوجه در غفلت باشد یا علم به اعسار داشته باشد، وجود ندارد. با توجه به این شرط بنایی پیشنهاد می شود موضوع در ماده اصلاحی مختص به صورت علم زوجه به اعسار مرد باشد، اما آگاهی زن به اعسار مرد با تکیه بر این شرط بنایی نزد عرف، اصل اولی تلقی شود که خلاف آن باید ثابت گردد.

حق حبس در فرض تقسیط

تقسیم مهریه دو صورت دارد. یا با توافق و رضایت کامل زوجه است به گونه ای که او گویا به تمکین در طول زمان پرداخت مهریه رضایت داده است و یا این تقسیم به حکم قاضی می باشد که زوجه چاره ای جز قبول آن نداشته است. در صورت اول زوجه حق حبس ندارد و باید تمکین کند و در صورت دوم میان فقها اختلاف است، برخی از فقها مانند حضرات آیات مرحوم بهجت، مکارم شیرازی و نوری همدانی فتوا داده اند که با پرداخت اولین قسط از سوی زوج، حق حبس زائل می شود. در مقابل حضرات آیات فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی حق حبس را تا پرداخت آخرین قسط مهریه باقی می دانند.^{۲۶}

بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حق مزبور تا زمانی که همه‌ی اقساط پرداخت نگردیده باقی خواهد بود. این رأی مقرر می‌دارد: «به موجب ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهریه او حال باشد. ضمناً در صورت احراز عسرت زوج، وی می‌تواند که مهریه را به نحو اقساط پرداخت کند. با توجه به حکم قانونی ماده مذکور که مطلق مهریه مورد نظر بوده و با عنایت به میزان مهریه که با توافق طرفین تعیین گردیده، صدور حکم تقسیم که صرفاً ناشی از عسر و حرج زوج در پرداخت یک جای مهریه بوده مسقط حق حبس زوجه نیست و حق او را مخدوش و حاکمیت اراده وی را متزلزل نمی‌سازد، مگر به رضای مشارالیها، زیرا اولاً حق حبس و حرج دو مقوله جداگانه است که یکی در دیگری مؤثر نیست. ثانیاً موضوع مهریه در ماده مزبور دلالت صریح به دریافت کل مهریه داشته و اخذ قسط یا

اقساطی از آن دلیل بر دریافت مهریه به معنای آنچه مورد نظر زوجه در هنگام عقد نکاح بوده، نیست. بنا به مراتب رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان اصفهان که موافق با این نظر است منطبق با قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم‌الاتباع می‌باشد».^{۲۷}

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۳۹ تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۹ همین نظر را تایید می‌کند. در این نظریه آمده است: «بازگشت به استعلام شماره ۱/۳۱۱ مورخ ۸۲/۲/۲۲، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه به شرح زیر اعلام می‌شود: اعسار شوهر حق حبس زن را از بین نمی‌برد زیرا اگرچه در چنین حالتی مطالبه مهریه از او امکان ندارد ولی باید پذیرفت که امکان گرفتن مهریه با استفاده از حق حبس ملازمه ندارد. همچنین در موردی که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست شوهر و به دلیل اعسار او، مهلت عادلانه می‌دهد یا قرار اسقاط می‌گذارد، نباید مهریه را مؤجل پنداشت زیرا اجلی که بدین‌گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده وی بر سقوط حق حبس نیست».

در نظریه مشورتی شماره ۷/۸۸۶ به تاریخ ۱۳۸۲/۲/۴ از سوی اداره حقوقی قوه قضاییه فرض اول نیز مطرح شده و در آن آمده است: «عطف به استعلام شماره ۱/۱۷۷۹ مورخ ۸۱/۱۱/۲۰، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه به شرح ذیل اعلام می‌گردد: الف. در صورتی که زوجه در دادگاه رضایت کامل خود را به دریافت مهریه به‌طور اقساط اعلام نماید و با این امر موافقت کند، دیگر نمی‌تواند همچنان از تمکین خودداری و جدا از شوهر زندگی نماید».

نظریه کمیته فقه خانواده

تقسیم مهریه اقسامی دارد:

۱. تقسیم در مهرالمسمی حین عقد میان زن و مرد.
 ۲. توافق زوجین بر تقسیم بعد از عقد.
 ۳. تقسیم دادگاه با درخواست مهریه از سوی زوجه و بدون درخواست اعسار از سوی زوج.
 ۴. تقسیم دادگاه با درخواست مهریه از سوی زوجه و بعد از درخواست اعسار از سوی زوج.
- معنای قسم اول تأجیل است و تخصصاً از بحث حق حبس خارج است. قسم دوم هم می توان ادعا کرد که تخصصاً از موضوع بحث خارج است؛ یعنی گویا زوجه در این فرض حق حبس خود را اسقاط کرده است. البته در همین فرض اگر شواهد دلالت کند که زن حق حبس را زائل نکرده است، حق حبس ثابت است، مثل این که زن بعد از علم به اعسار زوج بر اساس تکلیف شرعی (فنظره الی میسره) تقسیم را بپذیرد، اما تصریح کند که این قبول به معنای دست برداشتن او از حق حبس که حکم وضعی است نمی باشد، مانند این که به شوهر بگوید: حق حبس من محفوظ است، اما چون تو معسر هستی به تدریج مهریه ام را بپرداز.
- درباره قسم سوم می توان گفت که برداشتی از ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی وجود دارد که حکم قسم سوم را روشن می کند. در ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی آمده است. «برای تادیه تمام یا قسمتی از مهریه می توان مدت یا اقساطی قرار داد.» حقوقدانان از این ماده سه برداشت دارند. اول این که مقصود توافق زوجین حین العقد (قسم اول) است. دوم این که مقصود توافق زوجین بعد از عقد (قسم دوم)

است. البته اگر بعد از عقد هم توافق کند حکم توافق حین العقد را دارد. سوم این که مربوط به حکم دادگاه است که بدون دادخواست اعسار از سوی زوج صادر شده است (قسم سوم)؛ یعنی در همان پرونده درخواست مهریه از سوی زوجه، قاضی چون علم به اعسار زوج دارد از باب ارفاقی بودن حقوق خانواده و بدون عمل به تشریفات از جمله دادخواست اعسار، تقسیط می کند.

قرائت سوم مشکل گشا است و مرد را بی جهت راهی زندان نمی کند و حکم تقسیط بدون دادخواست اعسار زوج مستند قانونی می یابد، اما این قرائت به جهت تأخر قانون اعسار از قانون مدنی نسخ شده است، زیرا در قانون اعسار، اثبات اعسار منوط شده به تشریفات در آن قانون که یکی از آنها دادخواست اعسار است. طبق قانون اعسار باید قبل از تقسیط، محکوم به تحقق یافته باشد. لذا محاکمی که به برداشت سوم عمل می کنند از نظر حقوقی درست نیست، چون قرائت سوم از ماده ۱۰۸۳ منسوخ است.

در باره قسم چهارم می توان گفت که قاعده شبه معاوضی بودن نکاح - چنانکه گذشت - از روایات فهمیده می شود و در جریان این قاعده در فرض چهارم - بر خلاف مسئله علم زوجه به اعسار زوج - تردیدی وجود ندارد. پس در اینجا به اقتضای شبه معاوضی بودن نکاح عمل می شود. از سوی دیگر، اقتضای معاوضی بودن در همه معاوضات به یک گونه است. در معامله بیع اگر خریدار نتواند ثمن را بدهد و دادگاه پرداخت ثمن را تقسیط کند، حق حبس تا پایان آخرین قسط وجود دارد. در پرداخت مهریه هم همین گونه است. پس حق حبس تا آخرین قسط باقی است.

ممکن است ادعا شود که این فتوا موجب عسر و حرج بر شوهر می شود، زیرا گاهی تقسیط تا سالها طول می کشد و بهره مندی زن در طول این سالها از حق

حبس و عدم تمکین او، ثمره ازدواج را منتفی و موجب حرج بر شوهر خواهد بود. در پاسخ می توان گفت که: اولاً در سرفصل «حق حبس در فرض اعسار زوج» گذشت که مهریه های سنگین در حکم مهریه موجد است که در آنها حق حبس وجود ندارد. در موارد مهریه های سبک نیز تقسیط غالباً موجب حرج نخواهد بود. ثانیاً اگر حق حبس در طول زمان تقسیط برای زوجه نباشد او گرفتار ضرر و حرج خواهد شد. پس قواعد لاضرر و حرج در فرض عدم حق حبس در جانب زن جاری است. در این صورت این قواعد در این مسئله از هر دو سو جاری است و تساقط می کند.

اشکال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که رضای زن به تقسیط دادگاه موجب رفع حق حبس است و در عقود رضای مطاوعی لازم نیست بلکه رضای معاملی هم کافی است مانند معاملات در حال اضطرار. در پاسخ گفته می شود که رضای زوجه به حکم دادگاه، رضای طاری بر عقد است و این که در عقود رضای مطاوعی لازم نیست، بلکه رضای معاملی کافی است، مقصود، رضای حین العقد است نه طاری بر عقد.

سقوط حق حبس در فرض تمکین کمتر از آمیزش

بر اساس قاعده حق حبس در معاوضات اگر از جانب یکی از طرفین تسلیم انجام گیرد، حق حبس و امساک او ساقط خواهد شد. این موضوع در نکاح هم جریان دارد، ولی سخن در این است که تسلیم از ناحیه زوجه به چه چیز تحقق می یابد؟ در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی آمده است: «اگر زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود به ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود، دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند، مع ذلک حقی که برای مطالبه مهریه دارد ساقط

نخواهد شد». سوال این است که آیا مقصود از «ایفای وظایف» در این ماده، آمیزش است یا شامل سایر استمتاعات کمتر از آمیزش و حتی سکونت در منزل هم می شود؟

برخی فقها مانند حضرات آیات فاضل لنکرانی فقط آمیزش را موجب اسقاط حق حبس می دانند.^{۲۸} آیت الله اراکی استمتاعات کمتر از آمیزش را هم موجب اسقاط حق حبس می داند.^{۲۹} آیت الله تبریزی در فرض تسلیم شدن زن و عدم نزدیکی می گوید: «اگر زوجه با تسلیم خود قصد اسقاط حق خودش را نموده، دیگر نمی تواند امتناع نماید».^{۳۰}

دیدگاه کمیته فقه خانواده

قول فقیهانی که فقط آمیزش را موجب اسقاط حق حبس می دانند رجحان دارد، زیرا از نظر نصوص شرعی معاوضه در عقد نکاح - چنانکه گذشت - فقط میان بضع (آمیزش) و مهریه است، پس فقط با آمیزش، حق حبس ساقط می شود و سقوط حق حبس به استمتاعات کمتر از آمیزش اگر به طور قطع مردود نباشد حداکثر مورد تردید است و هنگام شک، استصحاب عدم سقوط حق حبس جاری می باشد.

ممکن است اشکال شود که بنابر آنچه در سرفصل «محدوده حق حبس» گذشت، حق حبس شامل همه وظایف زن نسبت به شوهر می شود و این با سقوط حق حبس فقط به آمیزش سازگار نیست. در پاسخ گفته می شود که حق حبس در واقع میان آمیزش و مهریه است و توسعه آن به سایر استمتاعات از باب مقدمی بودن سایر استمتاعات نسبت به آمیزش است. پس معاوضه در عقد نکاح فقط میان مهریه و آمیزش است و بالتبع حق حبس نیز فقط میان این دو جریان دارد و از

این رو با اقدام به آمیزش از سوی زن نیز حق حبس ساقط می شود، اما چون الزام زن به استمتاع کمتر از آمیزش با استفاده او از حق حبس در آمیزش، عادتاً ناممکن یا دشوار است، از این رو زن می تواند هنگام استفاده از حق حبس خود به جهت مقدّمی بودن سایر استمتاعات نسبت به آمیزش، از استمتاعات کمتر از آمیزش نیز خودداری کند.

حق نفقه در فرض اعمال حق حبس و اعسار زوج

اگر زوج در حال ایسار از پرداخت مهریه در صورت مطالبه زوجه خودداری کند، اولاً معصیت کرده است و ثانیاً زوجه می تواند از تمکین خودداری نماید در حالی که حق نفقه وی نیز ساقط نشده و برای گرفتن حقوق خویش می تواند به دادگاه مراجعه، و دادگاه زوج را نسبت به عدم انجام وظیفه شرعی مؤاخذه و او را به پرداخت مهریه ملزم می نماید، ولی در صورت اعسار زوج، هر چند او ملزم به تادیه مهریه نخواهد شد، اما زوجه نیز - چنانکه گذشت بنا بر قول مشهور - الزام به تمکین نمی شود. در این فرض سوال این است که آیا حق نفقه زوجه ساقط است یا خیر؟ فقهاء به این پرسش دو پاسخ داده اند. برخی مانند شهید اول حق نفقه را در این فرض ساقط می دانند، زیرا حق نفقه در مقابل تمکین است و چون تمکینی از سوی زن صورت نمی گیرد پس حق نفقه هم ساقط است. گروه دیگری مانند شهید ثانی و صاحب جواهر، حق نفقه را ساقط نمی دانند، زیرا حق نفقه وقتی ساقط است که عدم تمکین زوجه بدون مجوّز شرعی صورت گرفته باشد، و در ما نحن فیه هر چند عدم پرداخت مهریه غیر شرعی نبوده، ولی عدم تمکین زوجه هم با مجوّز شرعی صورت گرفته لذا مسقط حق نفقه نخواهد بود. ۳۱

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ به پرسشی اظهار می دارد: «عدم

تمکین زن در مقابل شوهر چنانچه بمنظور اعمال و استفاده از حق امتناع موضوع ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی صورت گیرد مستندا به قسمت اخیر ماده یاد شده مسقط حق نفقه نخواهد بود». اطلاق این پاسخ و مناط ذکر شده در آن شامل فرض اعسار زوج نیز می شود.

دیدگاه کمیته فقه خانواده:

فتوا به عدم سقوط حق نفقه در فرض مذکور به استناد دلیل ذکر شده از سوی فقهای مانند صاحب جواهر که مطابق اطلاق ذیل ماده ۱۰۸۵ است مورد قبول می باشد.^{۳۲}

بخش سوم:

پیشنهاد

بخش سوم: پیشنهاد

با توجه به آنچه در طی فصول قبل به اثبات رسید، پیشنهاد می شود مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ بدین ترتیب اصلاح شود:

ماده ۱۰۸۵ - زن می تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفاء همه وظایفی که در مقابل شوهر دارد - حتی سکونت در منزل او - امتناع کند، مشروط بر این که مهریه او حالّ باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

تبصره ۱- در این حکم فرقی میان اعسار و ایسار شوهر نیست، مگر آن که زن هنگام عقد، علم به اعسار زوج از پرداخت نقدی مهریه داشته باشد که در این صورت مهریه او در حکم موجّل خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه مهریه موجّل و در حکم موجّل نباشد تقسیط بعدی آن به حکم دادگاه مسقط حق حبس نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود اقدام به آمیزش کند، دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهریه دارد ساقط نخواهد شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوال: در صورت حال بودن مهر زوجه غیر مدخول بها حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکند، اما آیا حق دارد در غیر تمکین اطاعت از زوج نداشته باشد. مثلا منزل خانواده خود بماند و هر جا خواست و هر کار خواست انجام بدهد؟ با این حال می‌تواند مطالبهء نفقه نماید؟

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

در فرض سؤال، زوجه سائر حقوق زوج را از قبیل عدم خروج از منزل بدون اجازه زوج و غیره را باید مراعات کند. والله العالم.

۲. سؤال: الف. دختری با اطلاع کافی از عدم استطاعت مالی پسر در پرداخت نقدی مهریه با وی ازدواج می‌نماید. با فرض این که در عقدنامه نوشته شده مهریه بر زوجه دین لازم است و عندالمطالبه زوج باید ادا کند، آیا زوجه که غیر مدخوله است می‌تواند به بهانه عدم پرداخت مهریه‌اش از جانب زوج از ایفای وظایفش خودداری کند؟

ب. آیا حق امتناع و منع زوجه منحصر به عدم انجام زناشویی (تمکین خاص) است یا می‌تواند از انجام کلیه تکالیف زوجیت (تمکین عام) استنکاف نماید؟
آیت الله سیدعلی خامنه‌ای:

«زوجه می‌تواند قبل از دخول از تمکین خودداری کند تا مهر خود را بگیرد و ظاهر این است که مطلقاً از تمکین خودداری کند و منحصر به تمکین از دخول نیست. و وظیفه زوجه این است که در صورت بذل مهریه با واقع شدن دخول از شوهر تمکین داشته باشد والله العالم. [۱۳۷۸/۰۹/۰۷]»
آیت الله محمد فاضل لنکرانی (ره):

«الف. آری مگر اینکه زوج برای پرداخت مهر زمان خاصی را معین کرده باشد و اصطلاحاً دین مؤجل باشد.»

ب. ظاهراً در صورت عدم پرداخت مهریه با فرض اینکه پرداخت آنان مقید به زمانی خاصی نشده باشد، می‌تواند از تمام وظایف امتناع کند مگر خروج از منزل

که حق ندارد بدون اذن زوج از منزل خارج شود. [۱۳۷۸/۰۹/۲۴]

آیت الله ناصر مکارم شیرازی:

«الف. در صورتی که قرائن روشنی در کار باشد که مهریه به صورت نقدی و یکجا داده نمی‌شود نمی‌توان آن را یکجا مطالبه کرد.

ب. می‌تواند از هرگونه تمتعی امتناع نماید. [۱۳۷۸/۰۹/۲۷]

سؤال: باتوجه به فتوای فقهای عظام در این باره که زوجه حق دارد تا مهریه او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل زوج دارد امتناع کند. منظور از این حق، کدام یک از موارد زیر است؟

الف. خودداری از آمیزش جنسی و نزدیکی؟

ب. خودداری از نزدیکی و سایر استمتاعات؟

ج. خودداری از هر امر تسهیل‌کننده‌ی استمتاع (تا مواردی مثل خروج زوجه بدون اذن زوج از منزل و یا خودداری از سکونت در مسکنی که شوهر تعیین می‌کند را نیز شامل شود)؟

آیت الله میرزا جواد تبریزی (ره)

«چنانچه شرط تأجیل در مهر شده و لو به این صورت که مقدار مهر در حدی باشد که از قبل از عقد معلوم است که شوهر نمی‌تواند آن را فعلاً بپردازد، زن نمی‌تواند از تمکین قبل از گرفتن مهر امتناع کند و در صورت عدم تأجیل زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از تمکین نسبت به آمیزش جنسی و نزدیکی خودداری کند و نمی‌تواند از سایر استمتاعات خودداری کند، و خارج نشدن زوجه از منزل بدون اذن زوج و سکونت در مسکن متعارفی که شوهر تعیین می‌کند موقوف به گرفتن مهریه نیست، قبل از گرفتن مهریه هم بر زن لازم است آن را رعایت کند. والله العالم [۱۳۸۱/۰۴/۱۴]

آیت الله سیدعلی خامنه‌ای

«همه امور مذکور حقوق زوج است که با عدم تسلیم مهریه به زوجه، حق

امتناع از آنها را دارد والله العالم. [۱۳۸۰/۱۲/۱۱]

آیت الله سید علی سیستانی

«منظور فقط آمیزش است. ۲۷ ذی الحجه ۱۴۲۲ ه. ق»

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

«ظاهراً شامل تمام موارد مذکوره است والله العالم. [۱۳۸۱/۰۲/۰۲]»

آیت الله محمد فاضل لنکرانی (ره)

«ظاهراً زوجه حق جلوگیری از تمامی استمتاعات را دارد ولی بدون اجازه

شوهر حق خروج از منزل را ندارد. [۱۳۸۱/۰۳/۳۰]»

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

«ظاهر این است که زن می‌تواند تا گرفتن مهر معجل خود را مطلقاً تسلیم

شوهر نکند و در این مدت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد. والسلام علیکم و

رحمة الله و برکاته»

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

«در مفروض سؤال منظور خودداری از آمیزش جنسی و نزدیکی

است. [۱۳۸۱/۰۱/۱۶]»

آیت الله حسین نوری همدانی

«الف و ب. در صورتی که مدت برای ادا مهریه تعیین نشده باشد می‌تواند از

آمیزش جنسی و سایر استمتاعات نیز ممانعت نماید. [۱۳۸۱/۰۴/۰۸]».

سؤال: بعد از عقد نکاح در صورت اعسار زوج از پرداخت مهریه، بفرمایید:

الف. آیا زن می‌تواند به خاطر عدم دریافت مهریه تمکین ننماید؟

ب. در صورت جواز آیا تمکین فقط منحصر به بضع است یا سایر استمتاعات

را هم شامل می‌شود؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

بین موسر و معسر فرقی نیست و مراد مطلق استمتاع است و نشوز در غیر

مورد سؤال به تخلف از سایر استمتاعات هم صادق است. ۱۳۷۸/۱۱/۰۵

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (ره)

الف . در مهر حال، زوجه می‌تواند تا مهر را قبض نکرده از شوهر نسبت به جماع تمکین نکند هر چند وی معسر باشد والله العالم. ۱۳۷۸/۰۱/۱۱

آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای
می‌تواند زوجه تمکین نکند تا مهریه‌اش را دریافت کند ولی از استمتاعا
دیگر نمی‌تواند خودداری کند. ۱۳۷۸/۰۲/۰۸

آیت الله العظمی سید علی سیستانی
الف . اگر اجلی برای مهر قرار نداده‌اند می‌تواند تمکین نکند ولی اگر یک بار
تمکین کرد دیگر نمی‌تواند مانع شود.

ب . شامل سایر استمتاعا نیست ولی می‌تواند به خانه او نرود و با او خلوت
نکند.

آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی
بدون دریافت مهریه قبل از دخول می‌تواند تمکین نکند ولی بعد از دخول
نمی‌تواند تمکین ننماید و تمکین شامل تمام استمتاعا متعارفه
می‌باشد. ۵ جمادی الاول ۱۴۲۰ هـ.ق

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی
در صورتی که مهریه حال باشد زوجه قبل از اخذ مهریه می‌تواند از تمکین
نسبت به همه استمتاعا اعم از دخول و غیره ممانعت نماید و عدم تمکین جهت
اخذ مهریه نشوز محسوب نمی‌شود والله العالم. ۱۳۷۸/۱۱/۱۴

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)
الف . چنانچه مهریه حال باشد زن ابتدا می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین
ننماید.

ب . می‌تواند از سایر استمتاعا ممانعت نماید در فرض حال بودن مهریه.
۱۳۷۸/۰۸/۲۵

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
اگر در زمان عقد قرآینی بوده که زوج قادر به پرداخت فوری مهریه نیست،

زوجه نمی‌تواند مهریه را نقداً مطالبه کند و تمکین را نباید مشروط کند و تمکین شامل تمام مراحل می‌شود. همیشه موفق باشید. ۱۳۷۸/۰۹/۲۴

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

زن نمی‌تواند بعد از عروسی در صورت اعسار زوج از نفقه، یا از پرداخت مهریه، تمکین ننماید و حکم همه استمتاعات یکسان است. بلی اگر عروسی نکرده باشند زن می‌تواند تمکین ننماید و مهریه را مطالبه کند. ۱۳۷۵/۱۰/۱۷

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

بعد از عقد نکاح زن می‌تواند در دفعه‌ی اول از آمیزش جنسی و سایر استمتاعات امتناع کند تا مهریه خود را بگیرد. مگر این که قبل از عقد شرط تاخیر ادای مهریه شده است، یعنی مهر مؤجل باشد. ۱۳۸۲/۰۷/۱۴

۳. سؤال: در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه در مدت بین عقد و عروسی و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرمایید:

الف. آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

ب. در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

ج. آیا اعسار و عدم اعسار زوج تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د. آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه هنگام عقد به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)

الف و ب. اگر با رفتن به خانه زوج طوری باشد که مجبور شود به تمکین، می‌تواند نرود و در این صورت استحقاق نفقه دارد چون نشوز نیست.

ج. در صورت اعسار که به نحو اقساط می‌دهد به طوری که در عسروخرج نیفتد، با پرداخت قسط اولی، دیگر تمکین بر زوجه واجب است.

د. دانستن یا ندانستن زوجه به توانایی یا عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه،

تأثیری در مسأله ندارد. ۱۳۸۲/۰۴/۲۳

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

الف. اگر توافقی نباشد و عرف هم اقتضای مقداری تأخیر نداشته باشد نمی‌تواند خودداری کند.

ب. استحقاق نفقه نیز تابع عرف و توافق است.

ج. تأثیری ندارد.

د. تأثیری ندارد. ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۴.ق

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

الف و ب. در فرض سؤال چنانچه برای دریافت مهریه مدتی قرارداد نشده می‌تواند از رفتن به خانه زوج برای دریافت مهریه امتناع نماید و استحقاق نفقه هم دارد والله العالم.

ج و د. هیچ‌یک از دو امر مذکور تأثیری در آنچه پاسخ سؤال الف و ج گفته شد ندارد. بلی، در صورت اعسار باید به زوج مهلت داده شود والله العالم. ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۲۴.ق.

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

الف. خیر، زوجه به جهت دریافت مهریه حق حبس دارد ولی باید در محلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند.

ب. در صورت درخواست شوهر با نرفتن به خانه او ناشزه می‌شود و حق نفقه وی ساقط است.

ج و د. خیر تأثیری ندارد. ۱۳۸۲/۰۲/۳۰

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

الف تا د. زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند مشروط بر این‌که قبلاً از اعسار زوج خبر نداشته باشد و در فرض اعسار اگر {از} سوی حاکم شرع قسط بندی شود و شروع به پرداختن اقساط کند زن باید تمکین کند. همیشه موفق باشید.

۱۳۸۲/۰۲/۲۷

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف. نمی‌تواند، مگر آن‌که بترسد اگر پیش از گرفتن مهر برود؛ مرد او را وادار به هم‌بستری نماید.

ب. برای استحقاق نفقه، تمکین عام شرط است و ترس زن از هم‌بستری اجباری قبل از گرفتن مهر اگرچه موجب جواز نرفتن به خانه شوهر است، ولی برای استحقاق نفقه باید این امر مورد اطمینان باشد، به طوری که خود مرد به خاطر هم‌بستری اجباری، عرفاً مسؤول نرفتن زن شناخته شود.

ج. ندارد.

د. صرف آگاهی، به معنای اسقاط حق عدم تمکین خاص زن، قبل از گرفتن مهر نمی‌باشد. ۱۳۸۲/۰۳/۰۱

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

الف. خیر نمی‌تواند.

ب. خیر استحقاق نفقه ندارد.

ج. خیر تأثیری ندارد.

د. خیر. ۱۳۸۲/۰۳/۰۸

۴. روزنامه رسمی شماره ۱۹۳۱۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۳۰.

۵. علامه حلی، إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۱۵.

۶. شهید اول، غایه المراد، ج ۳، ص ۱۲۲: «الثانیة: أنّ فی المعاوضة المحضه لكلّ من المتعاضین الامتناع من التسليم حتی یسلم إلیه الآخر موسرا کان أو معسرا، لتحصل فائدة التعویض، فیجبرهما الحاکم علی التقابض معا، لعدم الأولویة، و لا خفاء أنّ النکاح کذلک إذن.»

۷. سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، مهذب الاحکام، ج ۲۵، ص ۱۵۹: «لان الاعسار انما یسقط حق المطالبه فی الحکم التکلیفی فقط و اما تسلیم المعوض قبل اخذ العوض فله حکم آخر لارتبط له بالاعسار»

۸. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۴۸۱: مسأله ۲۴۲۰

اگر موقع خواندن عقد دائمی برای دادن مهر مدتی معین نکرده باشند، زن می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. ولی اگر پیش از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند، دیگر نمی‌تواند بدون عذر شرعی (۱) از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید.

تحریر الوسیله؛ ج ۲، ص: ۲۹۹: «مسأله ۱۱ يجوز أن يجعل المهر كله حالا- أي بلا أجل- و مؤجلا و أن يجعل بعضه حالا و بعضه مؤجلا، و للزوجة مطالبة الحال في كل حال بشرط مقدره الزوج و اليسار، بل لها أن تمتنع من التمكين و تسليم نفسها حتى تقبض مهرها الحال، سواء كان الزوج موسرا أو معسرا، نعم ليس لها الامتناع فيما لو كان كله أو بعضه مؤجلا و قد أخذت بعضه الحال»

۹. سید محمدبن علی الموسوی العاملی (صاحب مدارک)، نهیة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۴۱۴: «ویظهر من ابن ادریس انه ليس لها الامتناع مع اعسار الزوج و هو حسن، اذ لايجب لها عليه مع اعسار شئ فيبقى وجوب حقه عليها بلا معارض».

۱۰. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۲۱.

۱۱. شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۴۳.

۱۲. سؤال: در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه در مدت بین عقد و عروسی و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرمایید:
الف. آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

آیت الله محمد تقی بهجت (ره)

«الف و ب. اگر با رفتن به خانه زوج طوری باشد که مجبور شود به تمکین، می‌تواند نرود و در این صورت استحقاق نفقه دارد چون نشوز نیست.»
[۱۳۸۲/۰۴/۲۳]

آیت الله سید علی سیستانی

«الف. اگر توافقی نباشد و عرف هم اقتضای مقداری تأخیر نداشته باشد نمی‌تواند خودداری کند. ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۴ ه.ق.»

آیت الله محمد فاضل لنکرانی (ره)

«الف. خیر، زوجه به جهت دریافت مهریه حق حبس دارد ولی باید در محلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند. [۱۳۸۲/۰۲/۳۰]»

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

«الف تا د. زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند مشروط بر این که قبلاً از اعسار زوج خبر نداشته باشد و در فرض اعسار اگر {از} سوی حاکم شرع قسط بندی شود و شروع به پرداختن اقساط کند زن باید تمکین کند. همیشه موفق باشید. [۱۳۸۲/۰۲/۲۷]»

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

«الف. نمی‌تواند، مگر آن که بترسد اگر پیش از گرفتن مهر برود؛ مرد او را وادار به هم‌بستری نماید. [۱۳۸۲/۰۳/۰۱]»

آیت الله حسین نوری همدانی

«الف. خیر نمی‌تواند. [۱۳۸۲/۰۳/۰۸].» «گنجینه استفتائات قضایی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا - قم، سؤال ۲۲۵.»

۱۳. سؤال: در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه در مدت بین عقد و عروسی و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرمایید: الف. آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

... د. آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه هنگام عقد به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

الف و ب. اگر با رفتن به خانه زوج طوری باشد که مجبور شود به تمکین،

می‌تواند نرود و در این صورت استحقاق نفقه دارد چون نشوز نیست.
 ... د. دانستن یا ندانستن زوجه به توانایی یا عدم توانایی زوج در پرداخت

مهریه، تأثیری در مسأله ندارد. ۱۳۸۲/۰۴/۲۳

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

الف. اگر توافقی نباشد و عرف هم اقتضای مقداری تأخیر نداشته باشد
 نمی‌تواند خودداری کند.

... د. تأثیری ندارد. ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۴.ق

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

الف و ب. در فرض سؤال چنانچه برای دریافت مهریه مدتی قرارداد نشده
 می‌تواند از رفتن به خانه زوج برای دریافت مهریه امتناع نماید و استحقاق نفقه
 هم دارد والله العالم.

ج و د. هیچ‌یک از دو امر مذکور تأثیری در آنچه پاسخ سؤال الف و ج گفته شد
 ندارد. بلی، در صورت اعسار باید به زوج مهلت داده شود والله العالم. ۱۰ ربیع‌الثانی
 ۱۴۲۴.ق.

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

الف. خیر، زوجه به جهت دریافت مهریه حق حبس دارد ولی باید در محلی
 که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند.

... ج و د. خیر تأثیری ندارد. ۱۳۸۲/۰۲/۳۰

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

الف تا د. زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند
 ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند مشروط بر این‌که قبلاً از اعسار
 زوج خبر نداشته باشد و در فرض اعسار اگر {از} سوی حاکم شرع قسط بندی
 شود و شروع به پرداختن اقساط کند زن باید تمکین کند. همیشه موفق باشید.

۱۳۸۲/۰۲/۲۷

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف. نمی‌تواند، مگر آن‌که بترسد اگر پیش از گرفتن مهر برود؛ مرد او را وادار به هم‌بستری نماید.

... د. صرف آگاهی، به معنای اسقاط حق عدم تمکین خاص زن، قبل از گرفتن مهر نمی‌باشد. ۱۳۸۲/۰۳/۰۱

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

الف. خیر نمی‌تواند.

... د. خیر. ۱۳۸۲/۰۳/۰۸

سؤال : درخصوص مهریه‌های سنگینی که معمولاً پرداخت آنها از توان زوج خارج است مانند یک هزار سکه بهار آزادی، در صورتی که زوجه مهریه خود را از طریق دادگاه مطالبه نماید، دادگاه به جهت فقر مالی زوج، حکم قطعی می‌دهد که وی در هر ماه دو سکه به صورت قسطی بپردازد مستفاد از برخی فتاوی این است که زوجه می‌تواند از حق حبس استفاده و تمکین خود را منوط به پرداخت تمام مهریه نماید. لکن مشکلی که در این صورت پیش می‌آید آن است که غرض از ازدواج محقق نخواهد شد زیرا اگر مثلاً هزار سکه به دو سکه در هر ماه تقسیط شود، پانصد ماه (بیش از چهل و یک سال) طول خواهد کشید تا زوجه پس از گرفتن تمام مهریه تمکین نماید، بفرماید:

الف. هرگاه طرفین علم به عدم توانایی پرداخت این قبیل مهریه‌ها داشته باشند در این صورت، اینگونه مهریه‌ها آیا از جهت لزوم پرداخت عندالمطالبه، آثار مهریه متعارف و معقول را دارد؟

ب. با توجه به مهریه‌های سنگین و نامتعارف و سوءاستفاده برخی از این امر، آیا زوجه حق حبس در مقابل این مهریه‌ها را دارد؟

ج. در فرض فوق، هرگاه با حکم دادگاه، حال بودن مهریه تبدیل به مؤجل بشود آیا زوجه پس از دریافت اولین قسط از مهریه، باز هم حق حبس خواهد داشت؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

الف. مهریه به هر مقدار که باشد بر ذمه زوج ثابت می‌شود و لازم‌الاداء است ولی در اول باید زوجین عاقل باشند و مهریه معقول قرار دهند.

ب و ج. در فرض مزبور با دریافت اولین قسط مهریه دیگر حق حبس ندارد و تمکین بر او واجب است. ۱۳۸۳/۰۱/۲۹

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

اگر مهرحال باشد زوجه می‌تواند تمکین ننماید تا مهر پرداخت شود چه زوج تمکن بر پرداخت آن داشته باشد چه تمکن نداشته باشد. ۲۰ ذی‌القعدة الحرام ۱۴۲۴ه.ق.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

در فرض مذکور زوجه حق دارد تا اداء تمام صداق از طرف زوج از تمکین امتناع نماید والله العالم. ۲۱ ذی‌القعدة ۱۴۲۴ه.ق.

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

الف. بلی، احکام مهریه حال را دارد مگر این که در حین عقد داماد شرط کند که در زمان خاصی بدهد.

ب. بلی حق حبس زوجه باقی است.

ج. بلی حق حبس باقی است تا تمام مهریه را وصول کند. ضمناً توجه داشته باشید که احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی است که نوعاً بر آن مترتب می‌شود و سوء استفاده برخی افراد از برخی احکام شرعی آن را تغییر نمی‌دهد.

۱۳۸۳/۰۴/۰۱

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

ا تا آخر. در این‌گونه موارد که قرائن روشنی بر معجل نبودن مهریه وجود دارد باید تقسیط شود و زوجه با اولین قسط باید تمکین کند و اگر مبلغ مهریه چنان است که عرف آن را نوعی سفاهت در مورد آن دو نفر می‌بیند اصل مهریه باطل است و تبدیل به مهرالمثل می‌شود. ۱۳۸۳/۰۱/۱۵

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف. در صورت علم زوجین به عدم توانایی زوج به پرداخت مهریه مذکور خصوصاً در محلی که رسم و عادت محل بر پرداخت تدریجی باشد در این صورت حکم مهریه متعارف نقدی را ندارد بلکه باید مهلت بدهند تا تدریجاً با اقساط پرداخت نماید در صورتی که قدرت پرداخت تدریجی را دارد و زوجه حق امتناع از تمکین را ندارد.

ب. در صورتی که زوج مهریه را به تدریج می‌دهد و قدرت پرداخت یکجا را ندارد زوجه حق حبس کردن را ندارد. بلی، اگر در صورت قدرت پرداخت تدریجی نمی‌دهد و دادن مهریه توقف به حبس دارد در این صورت حق حبس دارد و تشخیص او با حاکم شرعی است.

ج. حکم این صورت نیز از مطالب مذکوره در فوق معلوم شد، نیازی به تکرار نیست، زیرا در صورت دادن حق حبس نیست. ۱۳۸۲/۱۲/۰۳

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

الف، ب و ج. اگر هنگام اجراء عقد نشانه‌هایی مانند زیاد بودن مهریه یا عدم تمکن زوج از پرداخت مهریه به صورت یکجا وجود داشته باشد که منظور پرداخت مهریه به صورت تدریجی یا عندالقدره و الاستطاعه بوده با پرداخت قسط اول زوجه باید تمکین نماید. ۱۳۸۳/۰۲/۲۹

سؤال: آیا زوجه می‌تواند قبل از نزدیکی با استفاده از حق حبس، کل مهریه را مطالبه کند یا این که حق حبس مطالبه دین مستقر (نصف مهریه) را مشروعیت می‌بخشد؟

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (ره)

چنانچه برای پرداخت مهریه مدت معین نشده و مهریه هم بمقداری نباشد که از قبل معلوم است که شوهر نمی‌تواند در ابتدای امر آن را بپردازد در این صورت زن می‌تواند تا گرفتن کل مهریه از تمکین امتناع کند و اگر یکبار تمکین نمود برای گرفتن مهریه نمی‌تواند از تمکین بعد از آن امتناع نماید والله العالم.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

هرگاه مهریه بر ذمه بوده و مطالب نباشد و قرائن و شواهد دلیل بر این معنی باشد که مطالب نیست زیرا شوهر قادر به پرداخت آن بصورت نقد و یکجا نبوده است در چنین صورتی زن حق امتناع از نزدیکی قبل از وصول کل مهریه را ندارد.
۱۳۸۰/۰۳/۰۵

توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی : مسأله در صورتی که مدتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد زن حق دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی بر دادن مهر را داشته باشد یا نه، مگر این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اول بر ذمه بوده نه به صورت نقدی.

۱۴ . سؤال: زنی در حین نکاح علم دارد به اینکه مرد فعلاً توان پرداخت مهریه را ندارد آیا می‌توان گفت چنین مهریه‌ای حال نیست بلکه مؤجل است و لذا زن نمی‌تواند از حق حبس برای گرفتن مهریه استفاده کند؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)

قوام تأجیل به تعیین مدت است نه کلی مدت که با حلول هم سازگار است.
۱۳۸۳/۰۷/۰۱

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

این گونه مهر حال است و زن می‌تواند تا قبض نکرده است تمکین نکند.
۱۰ جمادی الثانیة ۱۴۲۵هـ ق.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

در فرض سؤال مهریه مؤجل نیست و زوجه می‌تواند به استناد عدم اداء مهر که معجل است از تمکین خودداری نماید والله العالم. ۱۳۸۳/۰۴/۲۲

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

خیر مهریه مذکور حال محسوب می‌شود مگر این که تصریح شده باشد که وقت معینی پرداخت شود. ۱۳۸۳/۰۳/۲۵

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

در فرض سؤال باید مهریه را متناسب با توان زوج قسطبندی کنند و زن با دریافت اولین قسط باید تمکین کند. همیشه موفق باشید. ۱۳۸۳/۰۳/۲۱

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

به صرف علم زن به عدم توان مرد نسبت به پرداخت مهر، مهریه مؤجل نمی شود و حق حبس از بین نمی رود و برای تأجیل، ذکر اجل و تعیین مهلت لازم است. ۱۳۸۳/۰۴/۰۴

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

در فرض سؤال، مهریه مؤجل نمی شود زیرا مؤجل آن است که مدت در ضمن عقد ذکر شده باشد. ۱۳۸۳/۰۴/۰۴.

۱۵. وَ آتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ (نساء/ ۴)

۱۶. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۲؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱۲، ص ۵۹؛ قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۱۷.

راغب اصفهانی می گوید: نحله از نحل (زنبور عسل) مشتق شده است، یعنی مرد با اعطای مهریه عوضی معادل آن از زن نمی خواهد چنانکه زنبور عسل عطیه ای ارزشمند بدون عوض به انسانها می دهد. (مفردات ألفاظ القرآن؛ ص: ۷۹۵).

۱۷. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳۱، ص: ۴۹: « القسم الأول تفویض البضع. أما الأول فهو أن لا يذكر فی العقد مهرًا أصلاً، مثل أن يقول الوکیل: زوجتك فلانة أو تقول هي: «زوجتك نفسي» فيقول الزوج قبلت و حينئذ هو من التفویض بمعنى الإهمال، ضرورة عدم ذكر المهر فيه و فيه مسائل: الأولى قد عرفت فيما تقدم أيضاً أنه لا خلاف فی أن ذكر المهر ليس شرطاً فی صحة العقد، بل الإجماع بقسمیه علیه، مضافاً إلى ظاهر آية لا جُنَاحَ «۳» و النصوص «۴» المستفیضة أو المتواترة».

۱۸. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳۱، ص: ۶۶: و أما القسم الثاني- و هو تفویض المهر- فهو أن يذكر على الجملة و يفوض تقديره إلى أحد

الزوجين بعينه».

١٩ . نهاية المرام فى شرح مختصر شرائع الإسلام، ج ١، ص: ٤١٤: «و لم نقف فى هذه المسألة على نص، و الذى يقتضيه النظر فيها ان تسليم الزوجة لنفسها حقّ عليها، و تسليم المهر إليها حقّ عليه، فيجب على كلّ منهما إيصال الحقّ إلى مستحقه، و إذا أخلّ أحدهما بالواجب عصى و لا يسقط بعصيانه حقّ الآخر، فان تمّ الإجماع على ان لها الامتناع من تسليم نفسها الى ان تقبض المهر كما ذكره الأكثر، أو الى ان يحصل التقابض من الطرفين، فلا كلام، و آلا وجب المصير الى ما ذكرناه»

٢٠ . دعائم الإسلام؛ ج ٢، ص: ٢٢٥.

٢١ . جامع أحاديث الشيعة (للبروجردى)؛ ج ٢٦؛ ص ٤٩٢ : ٧٥٠ - ٣٩٠٣١ - (١) كافي ١/ ٣٨٠: (عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد ومحمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى معلق) عن تهذيب ٧/ ٣٦٧: (الحسن يّب) ابن محبوب عن الحارث بن محمد بن النعمان الأحول عن بريد العجلي عن أبي جعفر عليه السلام قال: سألته عن رجل تزوّج امرأة على أن يعلمها سورة من كتاب الله عزّ وجلّ فقال: ما أحبّ أن يدخل بها حتّى يعلمها

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردى)، ج ٢٦، ص: ٤٩٤: السّورة و يعطيها شيئاً قلت: أيجوز أن يعطيها تمراً أو زبيباً قال: لا بأس بذلك إذا رضيت (به كا) كائناً ما كان

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردى)؛ ج ٢٦؛ ص ٤٩٤: ٧٥٤ - ٣٩٠٣٥ - (٥) نوادر أحمد بن محمد بن محمد ١١٥: صفوان بن يحيى عن عبدالله بن بكير عن زرارة قال سئلت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل تزوّج امرأة أيجلّ له أن يدخل بها قبل أن يعطيها شيئاً قال لا حتّى يعطيها شيئاً.

٢٢ . جامع أحاديث الشيعة (للبروجردى)؛ ج ٢٦؛ ص ٤٩٤: ٧٥٥ - ٣٩٠٣٦ - (٦) الدعائم ٢/ ٢٢٥: عن جعفر بن محمد عليهما السلام أنّه قال: إذا تزوّج الرجل المرأة بصدّاق إلى أجل فالتكاح جائز ولكن لا بدّ أن يعطيها شيئاً قبل أن يدخل بها

فيحلّ له نكاحها ولو أن يعطيها ثوباً أو شيئاً يسيراً فإن لم يجد شيئاً فلا شيء عليه وله أن يدخل بها ويبقى الصداق ديناً عليه.

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) ؛ ج ٢٦ ؛ ص ٤٩٤ : ٧٥٦-٣٩٠٣٧- (٧) كافي ٥ / ٤١٣: محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن إسماعيل عن منصور بن يونس عن عبد الحميد بن عواض تهذيب ٧ / ٣٥٨: استبصار ٣ / ٢٢١: عليّ بن الحسن بن فضال عن محمد بن عليّ عن محمد بن إسماعيل بن بزيع عن منصور (بن صا) بزرج عن عبد الحميد بن عواض قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أتزوج المرأة ٢٢ أ يصلح لي أن أواقعها ولم أنقدها من مهرها شيئاً قال: نعم إنّما هو دين عليك.

٧٥٧-٣٩٠٣٨- (٨) كافي ٥ / ٤١٣: عليّ بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن عبد الحميد الطائي تهذيب ٧ / ٣٥٧: استبصار ٣ / ٢٢٠: عليّ بن الحسن (بن فضال صا) عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن بعض أصحابنا عن عبد الحميد الطائي عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت له أتزوج المرأة وأدخل بها ولا أعطيها شيئاً قال نعم يكون ديناً (لها) عليك.

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) ؛ ج ٢٦ ؛ ص ٤٩٦ : ٧٥٨-٣٩٠٣٩- (٩) تهذيب ٧ / ٣٥٨: استبصار ٣ / ٢٢١: محمد بن يعقوب عن كافي ٥ / ٤١٤: عليّ بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن عبد الحميد بن عواض الطائي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يتزوج المرأة فلا يكون عنده ما يعطيها فيدخل بها قال: لا بأس إنّما هو دين لها عليه.

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) ؛ ج ٢٦ ؛ ص ٤٩٦ : ٧٦٠-٣٩٠٤١- (١١) تهذيب ٧ / ٣٥٩: استبصار ٣ / ٢٢٢: محمد بن عليّ بن محبوب عن الحسن بن عليّ عن عبد الحميد الطائي عن عبد الخالق قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يتزوج المرأة فيدخل بها قبل أن يعطيها شيئاً قال: هو دين عليه.

٢٣ . تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) ؛ ج ٧ ؛ ص ٣٥٧: «قَالَ الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَ لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ بِامْرَأَتِهِ حَتَّى يُقَدِّمَ لَهَا شَيْئاً مِنْ مَهْرِهَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ...»

فَهَذِهِ الرَّوَابِيَةُ وَرَدَتْ عَلَى سَبِيلِ الْأَفْضَلِ فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَاجِبًا وَ تَرْكُهُ مَحْظُورًا فَلَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ مَا رَوَاهُ».

۲۴. وسائل الشیعه؛ ج ۲۱؛ ص ۲۵۴: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فَلَا يَحِلُّ لَهُ فَرْجُهَا حَتَّى يَسُوقَ إِلَيْهَا شَيْئًا دَرَاهِمًا فَمَا فَوْقَهُ أَوْ هَدِيَّةً مِنْ سَوِيْقٍ أَوْ غَيْرِهِ.

أبي بصير عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا تزوج الرجل المرأة فلا يحل له فرجها حتى يسوق إليها شيئاً درهماً فما فوقه أو هديّة من سويق أو غيره.

۲۵. جامع أحاديث الشیعه (للبروجردی)؛ ج ۲۶؛ ص ۴۹۲.

۲۶. منبع این نقل قول در استفتای نقل شده در پاورقی قبل آمد.

سؤال: زوجه‌ای که بکر می‌باشد و هنوز به خانه شوهر نیامده و تاکنون از تمکین عام و خاص خودداری نموده است، بر اساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مهریه خود را به اجرا گذاشته و طبق سازشنامه‌ای که با حضور زوج و زوجه در دادگاه به عمل آمده، با رضایت کامل زوج و زوجه دادگاه قرارداد اصلاحی صادر نموده که حدود ۴۰ سال طول خواهد کشید؛ سپس تقاضای نفقه خود را نیز نموده است. از طرفی بر اساس ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی با وجود استفاده از ماده ۱۰۸۵ نفقه را در قبال تمکین جایز دانسته و حبس را برای زوج حذف نموده است. مستدعی است بفرمایید:

الف. آیا پس از قرارداد منعقد در دادگاه و رضایت زوجه در مورد تقسیط مهریه، زوجه می‌تواند همچنان از تمکین عام و خاص خودداری نموده و جدا از زوج زندگانی نماید؟

ب. در این صورت آیا نفقه به زوجه تعلق خواهد گرفت؟

ج. در صورت دریافت اولین قسط توسط زوجه، آیا وی ملزم به تمکین عام و خاص می‌گردد؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

با پرداخت اولین قسط باید تمکین نماید و در این صورت نفقه هم لازم است.

۱۳۸۲/۰۱/۲۴

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

جواز امتناع از تمکین و عدم آن دایر مدار کیفیت توافق طرفین است اگر در توافق تمکین زوجه از زوج منظور بوده امتناع زوجه از تمکین جایز نیست و در صورت عدم تمکین استحقاق نفقه ندارد و اگر نسبت به بخصوص مهر توافق شده ظاهر این است که حق عدم تمکین باقی است. ۱۳۸۱/۱۲/۱۲

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

الف. زوجه تا دریافت کامل مهریه حق حبس دارد و می‌تواند از تمکین خودداری کند ولی نمی‌تواند جدا زندگی کند بلکه باید در جایی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند و الا ناشزه می‌شود.

ب. در صورت ناشزه بودن حق نفقه ساقط است.

ج. خیر. ۱۳۸۱/۱۲/۰۷

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

الف. زوجه موظف است با دریافت اولین قسط مهریه تمکین کند.

ب. تا زمانی که به خانه شوهر نیامده حق نفقه ندارد.

ج. از جواب بالا معلوم شد. همیشه موفق باشید. ۱۳۸۱/۱۱/۲۲

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

الف تاج. زن تا گرفتن تمام مهریه غیرمؤجل، حق دارد که تمکین خاص نکند، مگر آن که در ضمن قرارداد تقسیط مهر از این حق خود صرف نظر کرده باشد و اگر یکبار تمکین خاص داشته باشد بعد از آن حق عدم تمکین خاص ندارد، آنچه ذکر شد، مربوط به تمکین خاص است، ولی باید تمکین عام داشته باشد، و الا استحقاق نفقه نخواهد داشت. ۱۳۸۱/۱۲/۱۴

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

الف. در صورتی که قسمتی از آن را پرداخت کرده، نمی‌تواند از تمکین خودداری نماید.

ب. با فرض تمکین و اطاعت از زوج در اموری که لازم است.

ج. بلی، ملزم به تمکین است. ۱۳۸۱/۱۲/۱۲

اداره حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۸۸۶ تاریخ ۱۳۸۲/۲/۴ عطف به استعلام شماره ۱/۱۷۷۹ مورخ ۸۱/۱۱/۲۰، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف. در صورتی که زوجه در دادگاه رضایت کامل خود را به دریافت مهریه به طور اقساط اعلام نماید و با این امر موافقت کند، دیگر نمی‌تواند همچنان از تمکین خودداری و جدا از شوهر زندگی نماید.

ب. با آنچه در بند «الف» اشاره شد، زوجه در صورت تمکین مستحق دریافت نفقه می‌باشد.

ج. با توجه به آنچه در بند «الف» گفته شد، پاسخ این سؤال معلوم است.

۲۷. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، ج ۱، ص ۶۱۹

۲۸. سؤال: دختری پس از ازدواج مدتی با شوهر خود زندگی کرده و با توجه به تماس بدنی دخول صورت نگرفته است. اکنون پس از گذشت مدت زیادی از ازدواج، زن به دلیل عدم دخول و باکره بودن خود را تا زمان دریافت مهریه بر خوردار از حق حبس می‌داند، لطفا حکم آن را بیان فرمایید.

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی (ره)

حق ممانعت زوجه تا وقتی دخول نشده باقی است، و گذشت زمان موجب از بین رفتن حق نمی‌شود.

۲۹. سؤال: زنی پس از ازدواج به خانه شوهر رفته و تمکین نموده ولی شوهر انواع استمتاع را برده ولی قادر به ازاله بکارت نشده، زن به خانه پدر برمی‌گردد و ادعا می‌کند که دخول نشده و باید مهر را بدهد تا از این پس تمکین کنم و به خانه شوهر بروم، آیا چنین حقی دارد؟

آیت الله العظمی محمد علی اراکی (ره)

پس از تمکین در فرض سوال دیگر نمی‌تواند برای اخذ مهریه امتناع از تمکین

کند و ازاله بکارت شرط تمکین نیست مگر عنین باشد که با شرایط موجب ضمان است.

۳۰. سؤال: اگر مهریه زوجه حال باشد، آیا زن می‌تواند از وظایفی که در برابر شوهر دارد خودداری نماید تا مهر به وی تسلیم شود؟ همچنین پس از عروسی، زن که به خانه شوهر رفت و خود را در اختیار وی گذاشت ولی مرد نتوانست با وی نزدیکی کند، زن می‌تواند پس از آن مطالبه مهریه را به شرح مذکور مطالبه نماید و قبل از تسلیم مهریه از ایفای وظایف خودداری نماید یا اینکه حق استنکاف با تسلیم تام از دستش می‌رود و فقط زوجه حق مطالبه مهریه را دارد؟

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (ره)

اگر زوجه با تسلیم خود قصد اسقاط حق خودش را نموده، دیگر نمی‌تواند امتناع نماید، والله العالم .

۳۱. جواهر الکلام، ج ۳۱ ص ۴۳: «... وفي أَسْتَحْقَاقِهَا النِّفْقَةَ حِينَئِذٍ وَجِهَانِ: مِنْ انْتِفَاءِ التَّمَكِينِ، إِذْ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِأَمْرِ مَمْتَنِعٍ عَادَةً، وَهُوَ الَّذِي جُزِمَ بِهِ الشَّهِيدُ فِيمَا حَكَى مِنْ شَرْحِ الْإِرْشَادِ، وَمَنْ أَنْ الْمَنْعَ بِحَقِّ كَالْمَوْسَرِّ، لِاشْتِرَاكِهِمَا فِي بَدَلِ التَّمَكِينِ بِشَرْطِ تَسْلِيمِ الْمَهْرِ، وَامْتِنَاعِ التَّسْلِيمِ عَادَةً لَا دَخَلَ فِي الْفَرْقِ، مَعَ جَوَازِ الْاجْتِمَاعِ بِالْإِفْتِرَاضِ وَنَحْوِهِ، وَهَذَا يَتَجَهَّ كَمَا اعْتَرَفَ بِهِ فِي الْمَسَالِكِ».

۳۲. امامی: این مسئله در کمیته مورد بررسی قرار نگرفت و نیاز به بررسی دارد و آنچه نوشته شده صرفاً یک پیشنهاد است.